

اسرائیل جای قاضی، هیئت منصفه و جلاد

مانع از «عادی‌سازی سیاسی» جنایات در غزه شویم



■ **نسرین ملک – ستون نویس گاردین**

هر چه قتل عام‌های اسرائیل تکان دهنده‌تر می‌شود، به همان میزان افراد بیشتری به دلیل انتقاد از وضعیت موجود مجازات می‌شوند. شرایط حاکم نشان می‌دهد که خطر تا چه حد جدی است. تصاویر گرافیکی دلخراش، پست‌های متو شد‌های که فقط با کلیک کردن آشکار می‌شود. هفته گذشته من فیلمی را تماشا کردم که به نظر می‌رسید جسد تکه‌تکه شده و بدون سر یک نوزاد را نشان می‌داد. اکنون یک سال و نیم است که سلب مسئولیت‌ها درباره آنچه در غزه دیده می‌شود، خود را نشان داده است. این تصاویر، مثل کابوس‌هایی هستند که اگر چه می‌توان آنها را فراموش کرد، اما به راحتی دوباره تداعی می‌شوند.

همچنان حمله اسرائیل به غزه نادیده گرفته می‌شود. با گذشت زمان و با افزایش آستانه تحمل برای اینکه قبلاً غیر قابل تحمل بود، حالا تصاویر گرافیکی و متنوع احساسات چندانی را تحریک نمی‌کند. در هر حال، سیاست یکی از این دو کار را انجام می‌دهد: یا این فاجعه تاریخی را عادی جلوه می‌دهد یا برای بازگشت به میز مذاکره آن هم با زبانی بی‌ادبانه متوسل می‌شود. درخواست برای توقف جنایات، اکنون در برخی کشورها مسأوی با دستگیری یا حذف است. این روایت، مردم غزه را که همیشه در قتل‌عام‌های روزانه‌شان روی صفحه نمایش‌ها و جدول‌های زمانی ما حضور دارند، کم‌رنگ می‌کند. غزه به جایی تبعید شده است که هیچ قانونی در آن اعمال نمی‌شود، روزنامه‌نگاران و سیاستمداران خارجی اجازه ورود به آن را ندارند، خبرنگاران محلی کشته می‌شوند و جلوی ورود کمک‌های خارجی می‌گیرند شده است. علاوه بر این، امدادگران محلی کشته می‌شوند، دادگاه‌های بین‌المللی و سازمان‌های حقوق بشر که یک‌صدار به جرم‌انگاری آنچه در حال وقوع است، صحبت می‌کنند، یا نادیده گرفته می‌شوند یا اینکه

هدف حمله حامیان مالی اسرائیل قرار می‌گیرند.

در سایه این تلاش‌ها، شواهد اقدامات غیرقانونی و لشکرکشی اسرائیل به غزه همچنان در حال افزایش است. ماه گذشته ارتش اسرائیل کارکنان هلال‌احمر را کشتند و همراه با خودروهای‌شان دفن کردند. فیلم‌های به دست آمده از یک تلفن همراه نشان می‌دهد که ادعای اسرائیل درباره مشکوک بودن فعالیت‌های این تیم دروغ بوده است. جسد فردی که این واقعه را فیلمبرداری کرده بود، در حالی پیدا شد که گلوله‌ای به سرش اصابت کرده بود. این پرسش مطرح می‌شود که چه تعداد از این جنایات در تاریکی غزه رخ داده‌اند و اجساد مدفون شده‌اند، آن هم بدون فیلمی زمینه‌سازی اقتصادی که می‌تواند بر نحوه

قاضی، هیئت منصفه و جلا عمل کند و با حمایت امریکا و غرب، فلسطینیان را از بقیه بشریت جدا کند. با این حال، جنگ تشدید می‌شود و هر گونه توجیهی را خنثی می‌کند. بنابراین باید روند موجود، با اعمال زور عادی‌سازی شود که شاید در کوتاه‌مدت سرکوبگر باشد، اما در درازمدت تحقیرکننده است. دولت ایالات متحده، با هدف قرار دادن دانشجویان علیه آنچه در غزه در حال وقوع است، صحبت می‌کند، با دانشگاه‌های خود وارد جنگ شده و به درگیری منجر شده است. با حرکت به سمت اخراج دانشجویان و دانشگاهیان، دولت ترامپ درگیر کشمکش‌ی با ساختار حقوقی خود شده است. تلاش‌های آلمان برای اخراج افراد درگیر در اعتراضات طرفدار غزه، اقتدارگرایی را بیشتری می‌کند. در این روند، به کارگیری ابزارهای دولتی ضروری است، زیرا دیگر نمی‌توان چنین بحرانی را تنها با

سرزنش خاموش کرد. این روند را با مرگ و گرسنگی که همچنان در غزه تشدید می‌شود، ترکیب کنید. به این ترتیب، شما یک دستورالعمل برای افزایش فشار اخلاقی بر اسرائیل خواهید داشت. هفته گذشته، خاطرات ویدئویی و مصاحبه یک جراح در بی‌بی‌سی پخش شد که کشتار بیشتر بیگناهان، کودکانی که فلج از خواب بیدار می‌شوند یا بر تش‌های شکمی را با درخواست مادران‌شان نشان می‌داد. در اعتراض به این جنایات، در لندن تظاهراتی بر گزار شد که ترفیک را متوقف کرد. در واشنگتن دی‌سی هم تظاهراتی برگزار شد که در آن نبری با نام کشته‌شدگان به نمایش درآمد. در دانشگاه کلمبیا در نیویورک، دانشجویان یهودی در اعتراض به بازداشت همکاران‌شان به دست اداره

تعرفه‌های ترامپ گسل‌های اجتماعی امریکار افعال تر می‌کند

رویکرد
 سجاد مرادی کلارده

شکاف در آمدی است. درآمد خانوارها به طور نابرابر توزیع می‌شود. طبق برآوردهای منتشر شده در سال ۲۰۲۱، متوسط درآمد قبل از مالیات و نقل و انتقالات در میان خانوارهای پایین‌ترین پنچک (یک پنجم جمعیت) ۲۲ هزار و ۵۰۰ دلار و برای بالاترین پنچک ۴۱۸ هزار و ۱۰۰ دلار بوده است. علاوه بر این، یک درصد بالای خانوارها در امریکا بیش از شش برابر

افزایش تعرفه‌های وارداتی ترامپ موضوعات و چالش‌های مختلفی را در سیاست داخلی امریکا برانگیخته، ولی بررسی این از منظر اقتصاد سیاسی کمتر مورد توجه است. تعرفه‌های گمرکی سازوکار اقتصادی تأثیرگذاری در اقتصاد یک کشور از طریق ایجاد موانع یا تسهیل تجارت خارجی است. زمینه‌های اقتصادی که می‌تواند بر نحوه تعیین این مکانیسم اثرگذار باشد و پیامدهایی که این ابزار اقتصادی در جامعه ایجاد می‌کند نیز موضوعی مهم برای کشور استفاده‌کننده از این ابزار است. به خصوص به دولت‌ها با ایجاد موانع تعرفه‌ای و غیر تعرفه‌ای، سعی در اعمال برنامه‌ها و سیاست‌های مورد نظر خود را دارند. در مورد تأثیر سیاست تعرفه‌ای ترامپ بر اقتصاد سیاسی امریکا ذکر چند نکته لازم است.

تعرفه‌ها بخش‌های مختلف اقتصاد امریکا را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از آنجا که امریکا قادر به افزایش فوری تولید نفت، رشد تولید بیشتر یا افزایش ظرفیت تولید برای بسیاری از کالاها نیست، بخش‌های مختلف تولیدی به واسطه یکپارچگی آن، بیشترین آسیب‌پذیری را در برابر تعرفه‌های وارداتی با شرکای تجاری کلیدی امریکا خواهند دید. در این بین، محصولات واسطه‌ای که از کشورهای دیگر وارد می‌شود، نقش حیاتی و سهم قابل توجهی در تولید امریکا دارند. کشاورزی یکی دیگر از بخش‌هایی است که به طور قابل توجه تحت تأثیر قرار دارد. سه کشور کانادا، مکزیک و چین تقریباً نیمی از واردات محصولات کشاورزی

امریکا را تشکیل می‌دهند. چین نزدیک به ۱۰۰ میلیارد دلار از واردات غیربادوام ایالات متحده از جمله مواد شیمیایی، دارویی، محصولات کاغذی و منسوجات را تأمین می‌کند. از سوی دیگر، توانایی تولید کالا در داخل، نیاز به سرمایه‌گذاری در زمین، کارخانه‌ها و تجهیزات دارد و این تصمیمات در محیطی با نرخ بهره بالا چالش‌برانگیز هستند. برخی از کارشناسان معتقدند که در میان‌مدت، باید زنجیره‌های تأمین جدیدی ایجاد شود و در بلندمدت نیز امریکا با محدودیت عرضه نیروی کار مواجه خواهد بود که این نیز ظرفیت تولید کارخانه‌ها را محدود می‌کند. از منظر نیروی کار، پیری جمعیت منجر به ثبت رکورد تعداد بازنشستگان شده و بیش از ۲۰ درصد از کارگران در بخش تولید بالای ۵۵ سال سن دارند.

■ **اثر تعرفه بر افزایش شکاف در آمدی**
جامعه امریکا در سال‌های اخیر درگیر شکاف‌های مختلفی که یکی از مهم‌ترین آنها،

قیمت‌های بالاتر برای مصرف‌کنندگان با درآمد کم، متوسط و بازنشستگان است. از آنجا که جایگزینی بسیاری از کالاهای وارداتی دشوار است، انتظار می‌رود هزینه تعرفه‌ها به تولیدکنندگان داخلی و مصرف‌کنندگان منتقل شود که این امر باعث ایجاد تورم ثابت بالای ۳ درصد در پایان سال ۲۰۲۵ خواهد شد. قیمت اعلام ضروری مانند موادغذایی و انرژی با

بخش مراقبت‌های بهداشتی، خرده‌فروشی و شغل‌های محلی دارند که معمولاً حقوق کمتر از متوسط دریافت می‌کنند. بنابراین از آنجا که انتظار می‌رود تعرفه‌ها هزینه‌ها را افزایش دهد و خانواده‌های کم درآمد سهم نسبتاً بیشتری از درآمد خود را مصرف کنند، خانواده‌های این ایالت‌ها بیشترین آسیب را خواهند دید. داده‌های اقتصادی امریکا نشان می‌دهد که



فشار صعودی مواجه خواهد شد. تخمین زده می‌شود اگر تعرفه‌های بیش از سه‌ماهه اعمال شوند، تورم می‌تواند تا پایان سال ۵۰ واحد در ثانیه افزایش یابد. تعرفه‌ها بر همه مصرف‌کنندگان به ویژه افراد کم درآمد و متوسط که سهم بیشتری از دست‌مزد خود را به خرید کالاهای ضروری اختصاص می‌دهند، بیشتر خواهد شد.

پیش‌بینی می‌شود افزایش قیمت‌ها ناشی از افزایش تعرفه‌های فشاری به مراتب بیشتر از دوره همه‌گیری کرونا که بر این خانوارها وارد کند. ■ **هزینه تعرفه‌ها بر ایالت‌ها کم‌در آمد**
بیشتر است

نتایج یک تحقیق که شرکت مشاوره اقتصادی oxford economics انجام داده، نشان داده ایالت‌هایی با بیشترین سهم خانوارهای کم‌درآمد در جنوب امریکا مانند می‌سی‌سی‌پی، آلاباما، لوئیزیانا و آرکانزاس، کنتاکتی و ویرجینیای غربی سهم کمتری از مشاغل پردرآمد مانند مشاغل مالی، فناوری و خدمات حرفه‌ای و سهم بیشتری از مشاغل در

درد غیرممکن است به جهانیان وحشی‌گری روزانه علیه یک ملت نشان داده شود و آنها مرعوب یا خسته شوند و به این روند عادت کنند. هر چند برخی ممکن است، تصمیم بگیرند که این توحش را نادیده بگیرند یا آن را توجیهه یا حتی از آن حمایت کنند، اما هرگز نمی‌توانند آن را عادی جلوه دهند

مهاجرت و گمرک ایالات‌متحده خود را به دروازه‌ها زنجیر کردند. گزارش قتل‌های هلال‌احمر از جسد به مقامات سازمان ملل و به رسانه‌ها منتقل شده است. یک دولت در سایه و متشکل از افرادی که مدت‌ها از اعتماد یا امید به نهادهای سیاسی بی‌بهره بودند، در حال تشکیل است و پس از یک سال و نیم آنچه انتظار می‌رفت، شروع شده است.

ممکن است به نظر برسد که زندگی، همانند جنگ غزه ادامه دارد و اسرائیل و متحدانش که به افکار عمومی و کل نظم جهانی خیره شده‌اند و در این بین، ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ این منطقه را با شوک‌های متعدد، از اقتصادی گرفته تا سیاسی پر کرده، اما اینجا یک وضعیت نازآم و متناظر حاکم است و آنچه برای بسیاری اتفاق می‌افتد، غیرقابل تحمل است. به همین دلیل، اگر اعتراضی و رویارویی با این وضع، حتی یک زندگی را نجات دهد یا حتی باعث شود که جنگ یک دقیقه زودتر پایان یابد، این روند ادامه خواهد یافت. غیرممکن است که به جهانیان وحشی‌گری روزانه علیه یک ملت نشان داده شود و آنها مرعوب یا خسته شوند و به این روند عادت کنند. در این بین، برخی ممکن است تصمیم بگیرند که این توحش را نادیده بگیرند یا آن را توجیهی یا حتی از آن حمایت کنند، اما هرگز نمی‌توانند آن را عادی جلوه دهند.

■ **احسان شیخون**

بحران سودان یکی از پیچیده‌ترین بحران‌های سیاسی، امنیتی و انسانی جهان امروز است که از آوریل ۲۰۱۹ پس از اعتراضات گسترده مردمی با برکناری عمر حسن البشیر رئیس‌جمهور سودان، پس از سه دهه حکومت از قدرت آغاز شد. پس از آن، یک شورای نظامی انتقالی به رهبری ژنرال عبدالفتاح البرهان تشکیل شد که در نهایت در نوامبر ۲۰۲۱ طی توافق، عبدالله آدم حمدوک که به مکانی نامعلوم منتقل شده، بود، مجدداً به عنوان نخست‌وزیر به مقام خود بازگشت.

اما از آوریل ۲۰۲۳ درگیری‌ها در خارطوم بالا گرفت. ارتش سودان به رهبری عبدالفتاح البرهان و نیروهای پشتیبانی سریع (آر. اس. اف) به فرماندهی محمد حمدان دقلو (حمیدتی) وارد جنگی داخلی علیه یکدیگر شدند که نتیجه آن تاکنون آوارگی قریب به ۸ میلیون نفر، قحطی گسترده برای یک سوم جمعیت سودان، ۲۰ هزار کشته و ۳۵ هزار زخمی بوده است.

■ **میراث داری ۵۷۰ گروه قومی – زبانی!**

ریشه‌های این بحران برای کشوری که از سال ۱۹۵۶ استقلال یافته و ۱۹ کودتای نظامی را تجربه کرده است، چه می‌تواند باشد؟ بحران سودان را باید با نگاهی تاریخی و جامعه‌شناسانه به پست‌وای جامعه‌شناسی تاریخی بررسی کرد. آنچه در ابتدا رخ می‌نمایند، ریشه‌های عمیق اختلافات قومی، قبیله‌ای، مذهبی، زبانی و فرهنگی است که در دوران معاصر با نبود یک دولت ملی فراگیر به عامل مهم تنش مبدل شده است.

سودان میراث‌دار نزدیک به ۵۷۰ گروه



پشتیبانی مالی به حمیدتی از طریق مسیرهای غیررسمی شنیده می‌شود. به نظر می‌رسد، هدف امارات ایجاد اهرم نفوذ در منطقه شاخ آفریقا و دسترسی به منابع طبیعی سودان از جمله طلاست. از آنجا که نیروهای پشتیبانی سریع بر بخش زیادی از منابع طلای سودان تسلط دارند، با انتقال آن به امارات، منابع مالی عمده‌ای برای خرید سلاح و تداوم جنگ به دست آورده‌اند. ترکیه نیز از جمله کشورهایی است که در سال‌های اخیر روابط اقتصادی و نظامی با سودان را تقویت کرده و به دلیل اهمیت بندر سوآکن در دریای سرخ، سودان را برایش اهمیت دارد.

ایالات متحده، اتحادیه اروپا و روسیه به‌رغم نگرانی از افزایش مهاجرت، قاچاق اسلحه، و رشد گروه‌های تروریستی در آن منطقه، هر کدام به دنبال پیشبرد منافع تجاری و اقتصادی خود هستند. قطر به عنوان بازگری خاموش، اما پر نفوذ، روابط تاریخی نزدیکی با جنبش‌های اسلام‌گرای سودان (به‌ویژه در دوره عمر البشیر) داشت و در بسیاری از پروژه‌های توسعه‌ای سودان، به‌ویژه قطر با کاریت دیپلماسی نرم، سعی در حفظ جایگاه منطقه‌ای خودش در سودان دارد و تاکنون از گروهی حمایت نکرده است. چین هم از بزرگ‌ترین سرمایه‌گذاران در صنعت نفت سودان بوده، اما به دلیل ناامنی، بسیاری از پروژه‌هایش را موقتاً متوقف کرده است.

اسرائیل که سال‌هاست به دنبال گسترش روابط با کشورهای آفریقایی به‌ویژه در منطقه شاخ آفریقا بوده، سودان را به عنوان حوزه‌ای کلیدی برای خود تعریف کرده است. سودان برای اسرائیل از نظر موقعیت جغرافیایی مهم است، به ویژه در مسیر ارسال اسلحه به غزه و به عنوان مانعی در برابر نفوذ ایران در شاخ آفریقا به آن می‌نگرد.

در مجموع، منازعات داخلی به همراه سیاست قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای همه از مواردی بوده که تاکنون مانع از ثبات در سودان شده و پیش‌بینی می‌شود با وجود اینکه ارتش سودان موفق شده کنترل بخش‌های مهم پایتخت را از آن خود کند، اما تا سرکوب نیروهای پشتیبانی سریع و بازگرداندن امنیت و ثبات به سودان زمان و تلاش قابل توجهی نیاز است.

چشم‌انداز ناپیدای مهار بحران

در سودان



رقابت باز یگران متعددی از جمله مصر، امارات، عربستان، روسیه، چاد، ایالات متحده و اسرائیل بر سر دسترسی به دریای سرخ، منابع طلا و نفوذ ژئوپلیتیک باعث شده باز یگران خارجی به جای حل چالش، بحران در سودان را تشدید کنند